



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال هفتم / شماره بیست و پنجم / پاییز ۱۴۰۴



10.22034/icrs.2025.550558.1396

سهم سلاطین عثمانی در بازسازی و توسعه آثار شیعی عراق

(۱۳۴۲-۶۹۸ ق)

طاهر بابائی^۱

چکیده

حکومت عثمانی نخستین بار در عصر سلیمان قانونی به عراق دست یافت که با حضور سلطان در بغداد و زیارت مزارهای مشاهیر مسلمانان همراه بود. عثمانیان پس از این که عراق عرب را در عصر شاه عباس اول از دست دادند، تلاش‌هایی برای بازپس‌گیری آنجا انجام دادند که سرانجام، در عصر مراد چهارم بار دیگر بر عراق دست یافتند که با حضور سلطان عثمانی در آنجا و توجه مجدد به مزار معارف اهل تسنن همراه بود. با نگاه به این که عثمانیان داعیه رهبری جهان اسلام و دفاع از اسلام را داشتند و نیز آنان با رویکرد تسامح و تساهل نسبت به دیگر ادیان و مذاهب خود را محبّ اهل بیت (ع) می‌دانستند، در این پژوهش کوشش شده است تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای و نیز با تکیه بر منابع ترکی عثمانی سهم مستقیم سلاطین حاضر در عراق در بازسازی اماکن شیعی بررسی شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که باوجود ادعای پژوهشگران در بناسازی سلطان عثمانی برای اهل بیت (ع) و نیز داعیه سلاطین عثمانی در ارادت به اهل بیت (ع)، غالب توجه آنان به بازسازی مقبره‌های معارف اهل تسنن معطوف بوده و اقدام برجسته‌ای در بازسازی عتبات نداشته‌اند و معدود اقامات انجام شده در این دوره را باید سهم والیان محلی برشمرد.

واژه‌های کلیدی: عثمانی، بازسازی عتبات، عراق، تاریخ‌نویسی عثمانی، اهل بیت.

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

taherbabaei@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۸ نوع مقاله: پژوهشی (۲۹-۱۰)

The contribution of the Ottoman Sultans in the reconstruction and development of Shiite monuments in Iraq (1299 – 1924)

Taher Babaei¹

Abstract

The Ottoman government conquered Iraq for the first time during the reign of Suleiman the Magnificent, which during that time, the Ottoman Sultan was present there and visited the tombs of the famous figures of the Islamic world. The Ottomans attempted to take over Iraq after losing it during the reign of I.Shah Abbas; finally, during the reign of IV .Murad, they regained control of Iraq; The Ottoman Sultan visited Iraq and once again visited the tombs of prominent Sunnis. Given that the Ottomans claimed to be the leaders of the Islamic world and defenders of Islam, also They had a tolerant approach towards other religions and considered themselves lovers of the Ahl al-Bayt (a.s.), This research has attempted to examine the direct contribution of the sultans who entered Iraq in the reconstruction of Shiite sites, with a descriptive-analytical approach and library method, and also relying on Ottoman Turkish sources. The research findings show that despite the fact that the Ottoman sultans claimed to love the Ahl al-Bayt (a.s.) and despite their attention to the reconstruction of the tombs of Sunni scholars, they had no contribution in the reconstruction of the tombs of the Ahl al-Bayt (a.s).

Keywords: Ottoman, Reconstruction of shrines, Iraq, Ottoman historiography, Ahle-Bayt.

1. Assistant Professor Department of History and civilization of Muslim nations, Faculty of Theology, Ferdowsi university of Mashhad, Mashhad, Iran. Taherbabaei@um.ac.ir

مقدمه

حکومت عثمانی با استفاده از عنصر جهاد و غزا توانست گروه‌های مختلف مسلمانان را در انتهای آناتولی جذب و نیز با بهره‌گیری از بومیان و فراخواندن آنان به اسلام ضمن رفع خلأ نیروی کارآمد انسانی زمینه ایجاد و توسعه حکومت و قدرت خود را فراهم کند. حکومت عثمانی به‌طور کلی، حکومتی دینی بود و شریعت اسلامی قانون اساسی آن شمرده می‌شد. تأثیرگذاری دین در دولت عثمانی در همه دوره‌ها به یک نسبت نبوده است. با وجود این که تصوف در میان سربازان و جنگجویان اولیه عثمانی نفوذ داشت و از عوامل فتح‌های اولیه عثمانیان بود، در دوره‌های بعد به یکی از مهم‌ترین مشکلات عثمانیان بدل شد. با توجه به شکل زندگی بی‌قید و بند مجاهدان متأثر از تصوف، ایجاد و تقویت حکومت تشریعی اسلامی که رعایت منظم قواعد اسلامی را در پی داشت، زندگی آنان را به چالش می‌کشید. در آغاز حکومت عثمانی، مراکز و نهادهای دینی صوفیانه نقش برجسته‌ای در تحولات و ساختار حکومتی داشتند؛ اما از اواسط قرن نهم هجری به بعد علمای دینی و نخبگان مدرسی که به‌عنوان نمایندگان اسلام سنی تشریعی فعالیت می‌کردند، نقش پررنگ‌تری را داشتند. به‌ویژه آن که در زمان شیخ‌الاسلام‌های مقتدر (نماینده اصلی طبقه دینی در حکومت عثمانی) این نقش‌آفرینی به شکل چشمگیری نمود بیشتری یافته است. پادشاهان عثمانی با وجود داشتن عناوین دینی و استقرار در جایگاه رهبر جهان اسلام (داعیه خلافت) به شکل مطلق عامل به احکام دینی نبودند و حکومتشان نیز باوجود داعیه‌های مختلف حکومتی کاملاً دینی نبود. این درحالی است که تاروپود بافت اجتماعی قلمرو عثمانی را سنت‌های متعالی اسلامی شکل داده بود.

پس از سده نهم هجری و با قدرت‌گیری گروه‌های معتقد به اسلام تشریعی و نیز بر اثر اقدام‌های نخبگان دینی و مدرسی ساختارهای اسلام سنی دوباره سازمان‌دهی شد؛ در نتیجه عنصر دین که بر نظام فرهنگی حاکم بود، نفوذ خود را در نظام حاکم به بیشترین حد رساند. به انجام رساندن فعالیت‌های دینی در حکومت عثمانی که در وابستگی به نظام سیاسی - اداری صورت می‌گرفت، این امکان را فراهم کرد تا عثمانیان حکومتی به نسبت دینی (نه کاملاً دینی) قلمداد شود. با وجود این، در تاریخ‌نگاری عثمانیان عصر متقدم موضوع‌های دینی یکی از مشخصه‌های مهم در توصیف حکومت عثمانی است. عثمانیان در سده دهم هجری دولت خود را انتظام و استقرار بخشیده و یکی از قدرتمندترین حکومت‌های

مسلمان را ایجاد کرده بودند. حکومتی که با در دست داشتن اماکن مقدس مسلمانان در عربستان، ماهیتی برتر از یک حکومت مسلمان را به خود اختصاص داد و با تکیه بر نیروی جنگاور قدرتمند خود در قامت رهبر جهان اسلام نقش آفرینی کرد. اگرچه عثمانیان هرگز در این سده مدعی خلافتی مشابه خلافت عثمانیان نبودند، کوشیدند تا خود را در جایگاه حامیان اسلامی سنی و قلمرو خود را مرکز چنین اسلامی قرار دهند.

حکومت عثمانی حکومتی بود که در آن گروه‌های مختلف قومی، زبانی و دینی/ مذهبی در کنار یکدیگر فعالیت می‌کردند و تسامح دینی و مذهبی عثمانیان سبب شده بود تا گروه‌های نخبگان متعددی جذب این حکومت شوند. یکی از این گروه‌های مذهبی شیعیان بودند که در نگاه اول با نظام دینی سنی که عثمانیان در پی تثبیت آن و معرفی خود در جایگاه مدافع آن بودند، همخوانی نداشت. با وجود این، گروه‌ها و نخبگان شیعی به شکل صوفیانه و فقهاتی در میان عثمانیان با شمار قابل ملاحظه‌ای فعالیت می‌کردند. از سوی دیگر، عثمانیان در مقابله با صفویان همواره اتهام‌های متعددی را به آنها نسبت می‌دادند که در آن میان، فتوای الحادی درباره شیعیان که بیشتر با عنوان رافضی مورد خطاب قرار می‌گرفتند، صادر می‌شد. همچنین، عثمانیان تلاش می‌کردند تا حساب صفویان و اهل بیت (ع) را مجزا از یکدیگر بدانند و حتی صفویان را متهم به سوءاستفاده از نام اهل بیت (ع) می‌دانستند. در آثار تاریخی نخبگان ایرانی حاضر در قلمرو عثمانی برای جداسازی صفویان از اهل بیت (ع) تلاش شده است که نمونه آن را می‌توان اشاره پرتکرار به احادیث امامان شیعیان دانست که به نوعی در پی القای دنباله‌روی عثمانیان از این امامان نیز بوده است. مدعایی که می‌توان صحت آن را با مطالعه منابع بررسی کرد.

با توجه به این‌که سلاطین عثمانی خود را محبّ اهل بیت معرفی می‌کردند، این ارادت سلاطین می‌توانست به اشکال مختلف ظهور یابد. مواردی نظیر زیارت قبرهای اهل بیت (ع)، استمداد و توسّل، صدور فرمان‌های مرتبط با بزرگداشت اهل بیت (ع) در حوزه‌های ادبی، تاریخ‌نویسی و نظایر اینها و نیز ساخت بناهای مذهبی مرتبط با اهل بیت (ع) و یا تعمیر و توسعه بناها می‌تواند میزان ارادت و محبت هریک از سلاطین عثمانی را به اهل بیت (ع) مشخص کند که در این راه یکی از جنبه‌های مهم ساخت

۱. در خصوص جنبه‌های مختلف ارادت عثمانیان به اهل بیت (ع)، نک: Osmanlı Devletinde Ehl-i Beyt Sevgisi, 2008.

یا توسعه مزارهای اهل بیت (ع) در عراق بوده که در برخی از پژوهش‌ها (Erkoçoğlu, 2010: 298; Teke & Uzun, 2022: 16) مطرح شده است. برای بررسی علمی‌تر این موضوع تلاش خواهد شد تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای و در پاسخ به پرسش اصلی مبنی بر این که سلاطین عثمانی چه سهمی در بازسازی عتبات عالیات در عراق داشتند؟ گزارش‌های منابع تاریخی ترکی عثمانی درباره چگونگی توجه مستقیم سلاطین عثمانی به مزارهای بزرگان اهل تسنن و اهل بیت (ع) در عراق بررسی شود. این بررسی می‌تواند صحت مدعای عثمانیان در محبت به اهل بیت (ع) و تلاش برای بازسازی آثار شیعی عراق را تا حدودی تصدیق کند و یا این مدعا را به چالش بکشد. گفتنی است که برای مطالعه این موضوع دوره‌های حضور مستقیم سلاطین عثمانی در عراق را که مقارن عصر سلطان سلیمان قانونی (حک: ۹۷۳-۹۲۶ ق) و سلطان مراد چهارم (حک: ۱۰۴۹-۱۰۳۲ ق) بود، گزینش شده است. در راستای پژوهش حاضر؛ پژوهش معتنا بهی انجام نشده است و در پژوهش‌های انجام شده به اقدام‌های خیرخواهانه مذهبی عثمانیان در عراق که والیان و تاجران بودند، توجه شده است. در ادامه به چند نمونه از این پژوهش‌ها اشاره شده است.

Fatih Erkoçoğlu پژوهشی با عنوان «کربلا: مکانی مقدس تا پایان حکومت عثمانی» انجام داده است. محقق در این پژوهش به نوعی تاریخ محلی کربلا را تا پایان حکومت عثمانی در خود گنجانده است. در نهایت، این پژوهش در حد چند سطر نیز با پژوهش حاضر در ارتباط بوده که در آن آثار سلاطین عثمانی در کربلا بر شمرده شده است. Rumeysa Teke & Zübeyde Uzun پژوهشی با عنوان «سه اثر عثمانی در بغداد» را انجام داده‌اند. محققان در این مطالعه آثار عثمانی بغداد را بررسی کرده‌اند. مقاله‌های متعدّد و کتاب‌هایی نیز در ایران به چاپ رسیده است که در آن به موضوع عتبات و عثمانیان اشاره شده است؛ ولی در هیچ کدام موضوع حاضر مورد بررسی قرار نشده است؛ برای نمونه، عربخانی (۱۳۹۳) در کتاب عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم، ضمن پرداختن به تاریخ عثمانی و روابط آن با صفویان، افشاریه و قاجار، اشارات کوتاهی به برخی اقدامات در بازسازی عتبات داشته و داده اندکی در این خصوص ارائه داده است. همو (۱۳۹۴) در مقاله «تشیع ایرانی و تسنن عثمانی: پژوهشی بر منازعات شیعی - سنی در عتبات عالیات قرن نوزدهم» با استفاده از اسناد آرشیو عثمانی، به جایگاه عتبات در درگیری‌های عثمانیان و حکومت قاجار پرداخته است که به رغم تشابه موضوعی،

داده‌ها و نتایج مشترکی با پژوهش حاضر ندارد. نورائی و معینی (۱۳۹۶) نیز در مقاله «بررسی مسائل و مشکلات زوّار ایرانی در زیارت عتبات عالیات در فاصله سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۲۰ م/ ۱۳۱۷-۱۳۴۱ ق: مطالعه موردی: سوءرفتار مأمورین عثمانی نسبت به زوّار» به تاریخ عتبات در دوره عثمانی توجه کرده‌اند، اما موضوع حاضر در این پژوهش، مدنظر نبوده است. رحمانیان و شهسواری (۱۳۹۳) در مقاله «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار: مطالعه موردی: زوّار و حمل جناز»، پژوهش مشابه دیگری است که مناسبات ایران و عثمانی در دوره قاجار را با تاکید بر عتبات عالیات بررسی کرده، اما در خصوص بازسازی عتبات به دست سلاطین عثمانی، داده‌ای ارائه نکرده است.

دوره‌های تاریخی حضور مستقیم سلاطین عثمانی در عراق

مهم‌ترین سلطان عثمانی که در جریان نبرد با صفویان عراق را به چنگ آورد و به‌طور مستقیم در عراق حضور یافت، سلیمان قانونی بود. در سال ۹۲۶ ق با مرگ سلطان سلیم اول فرزند سلطان سلیمان که با لقب قانونی و محتشم شناخته شد، بدون داشتن رقیبی به قدرت رسید. در این روزگار صفویان در سوی شرقی قلمرو عثمانی بر سر کار بودند و به سبب سختی که در جنگ چالدران دیده بودند، حدود بیست سال با عثمانیان به نبرد کشانده نشدند. (بابائی، ۱۳۹۵: ۲۴۲-۲۴۱) سرانجام در سال ۹۴۰ ق با انعقاد معاهده صلح میان حکومت عثمانی و مجارها که به مدت ده سال به زور آزمایی نظامی دو طرف پایان می‌داد، شرایط برای حملات عثمانیان به ایران مهیا شد. (نویی و غفاری فرد، ۱۳۸۶: ۱۱۷؛ اینالجق، ۱۳۸۸: ۶۸) در این سال، ذوالفقارخان، والی بغداد از سوی صفویه بود که از طرف شاه طهماسب بر عراق عرب حکومت می‌راند. این امیر به سبب اشتغال شاه صفوی به نبرد در خراسان سر به طغیان برداشت و با سرپیچی از فرمان صفویان و مذهب تشیع، به مذهب تسنن گروید و خود را تحت انقیاد و تبعیت عثمانیان خواند. (جلال‌زاده، ۱۹۸۱ الف: ۲۴۲؛ قره‌چلبی‌زاده، ۱۲۴۸: ۱۱۳؛ پجوی، ۱۲۸۳، ج ۱: ۱۷۴)

این شورش با استقبال عثمانیان همراه شد و ابراهیم‌پاشا، صدراعظم وقت عثمانی، در پی دعوت ذوالفقارخان با نود هزار سپاهی به آذربایجان لشکرکشی کرد و بدون درگیری قابل ذکری غالب نواحی آذربایجان را به چنگ آورد. در این زمان، شاه طهماسب صفوی متناسب با شرایط سپاه خود که نسبت

به عثمانیان در اقلیت بود، به شکل جدی وارد نبرد نشد. همچنین، سپاه عثمانی که تا سلطانیة زنجان پیشروی کرده بود، به سبب عدم واکنش نظامی شاه طهماسب و فرارسیدن زمستان از پیشروی بیشتر بازماند و راه عراق را در پیش گرفت. در نهایت، عثمانیان بدون نبرد خاصی عراق را به دست آوردند. (اوزون چارشیلی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۰۴-۴۰۲؛ شاو، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۷۵-۱۷۴) سرانجام این نبرد تسلط ناپایدار عثمانیان بر بخش‌هایی از آذربایجان و استیلای پایدار آنان بر عراق بود. (بابائی، ۱۳۹۵: ۲۴۵)

دومین سلطان عثمانی که به همراه سپاه وارد عراق شد، سلطان مراد چهارم بود. او مقارن درگذشت شاه عباس اول با هدف تسلط بر قفقاز و ایروان در سال ۱۰۴۴ ق به مرزهای شمال غربی ایران لشکرکشی کرد که منجر به اشغال ایروان و ورود مراد چهارم به آذربایجان شد. مراد چهارم بر تبریز نیز دست یافت و آن را ویران کرد و سپس راهی استانبول شد. با واکنش شاه صفی به تحرکات عثمانیان در سال ۱۰۴۸ ق مراد چهارم بار دیگر عازم شرق شد و این بار عراق را به عنوان هدف مورد توجه قرار داد که با تسخیر آن بغداد مورد تهاجم و غارت قرار گرفت. این چنین دستاورد بزرگ شاه عباس اول به دست سلطان مراد چهارم در اختیار عثمانیان قرار گرفت. (صالحی، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۴؛ ایتسکویتس، ۱۳۷۷: ۱۱۵)

از جمله اقدام‌های عمرانی عثمانیان مقارن دوره‌های مذکور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بازسازی قبر ابوحنیفه و شیخ عبدالقادر گیلانی به دست سلیمان قانونی، بازگشایی کانال حسینیة در کربلا به دست سلیمان قانونی، ایجاد سنجاق (واحد اداری معادل استان) مشهد حسین در کربلا به دست سلیمان قانونی که تا پایان حکومت عثمانی در اسناد آورده شده است. (Erkoçoğlu, 2010: 298) همچنین، تعمیر بنای حرم امام حسین (ع) در عصر مراد سوم به دست علی‌پاشا والی بغداد (سال ۹۹۲ ق)، ساخت منارة العبد مشهور به «انگشت یار»، بازسازی مزار ابوحنیفه و شیخ عبدالقادر گیلانی که در حمله سال ۱۰۳۲ ق شاه عباس اول به دست مراد چهارم تخریب شده بود. (Erkoçoğlu, 2010: 301) گفتنی است که آثاری همچون جامع ازبک، جامع سلیمانیة یا نعمان‌پاشای بغداد، تربۀ احمد بن حنبل، جامع وزیر کوچک حسن‌پاشا، مدرسه وفاییه و نظایر اینها نیز در دوره عثمانی ایجاد شدند که سلاطین عثمانی نقش مستقیمی در ایجاد آنها نداشتند.

داده‌های منابع تاریخی و بناسازی سلاطین عثمانی در عراق

تاریخ‌نگاری عثمانی یکی از پربرترین و پرثمرترین دوره‌هاست که شمار بسیار فراوانی از آثار با گونه‌های مختلف از مورخان آن حکومت به دست رسیده است. یکی از این گونه‌ها سلیمان‌نامه‌نویسی است که در دوره سلیمان قانونی و در تداوم سلیم‌نامه‌نویسی (آثاری در راستای ثبت وقایع عصر سلیم اول که با هدف مشروعیت‌دهی به اقدام‌های سلیم اول نگارش یافته است) به توصیف وقایع سلطان سلیمان قانونی اختصاص داشت. ویژگی بارز سلیمان‌نامه‌ها که آن را از سلیم‌نامه‌ها متفاوت می‌کرد، این بود که تا حدودی هیچ‌یک از این آثار تمام دوره سلیمان قانونی را دربر نمی‌گرفت؛ اما وضع ثبت اخبار و وقایع به همان شکل در راستای تجلیل از سلطان عثمانی بود و در همین دوره طولانی حکومت سلیمان بود که تاریخ‌نگاری عثمانی به اوج شکوفایی رسید. (بابائی، ۱۴۰۳: ۸۰)

یکی از این آثار سلیمان‌نامه نوشته سنان چاوش است که با نام تاریخ فتح شقلوش و استرغون و بلغراد نیز شناخته می‌شود و در آن به حضور سلیمان قانونی در عراق نیز اشاره شده است. از مؤلف که دریاورد بوده است، اطلاع چندانی در دست نیست و تنها دانسته است که فرمان سلطان سلیمان را به دست دریاورد مشهور عثمانی، یعنی خیرالدین بارباروس رسانده است. (اوزجان، ۱۳۹۱: ۲۰۹) مؤلف در اثر خود زیارت حرم امام علی (ع) با سلیمان قانونی را از طریق مدح و بزرگداشت آورده است که در آن سلطان به «زیارت مشهد منور و مرقد مطهر صاحب الکشف و الهام، زایر بیت الله الحرام، اصل شجرة ولایت و فرع ثمره نهایت طاها و یس، ابن عم سید المرسلین، اسدالله الغالب امیرالمومنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه» پرداخت (Sinan Çavuş, 1998a: 60) و سپس به گشت‌وگذار سلیمان قانونی در وادی دارالسلام و مدفن علما و اولیا اشاره شده و در نهایت، توجه سلطان به مزار ابوحنیفه با تفصیل بیشتر آورده شده است. «سلطان به زیارت سلطان علماء الراسخین که در جوار بغداد آسوده حال شده بود، اوستاد الائمه المجاهدین، جامع الأصول و الفروع و مُحَقِّقُ الْمَعْقُولِ و الْمَشْرُوعِ، مفتی اهل یقین و رهنمای دین متین، إمامُ الأنام و الأئم و علامه فحول العرب و العجم، حضرت امام الاعظم رحمه الله علیه رحمه واسعة نیت کرد». در این اثر به هیچ نوع بناسازی شیعی یا سنی سلطان عثمانی اشاره نشده است. (Sinan Çavuş, 1998b: 60)

مشابه این سلیمان‌نامه می‌توان از کتاب طبقات الممالک و درجات المسالک نوشته جلال‌زاده مصطفی چلبی مشهور به قوجه نشانچی (۹۷۵ قمری) نام برد که به‌عنوان مهم‌ترین اثر این مؤلف در ۳۰ طبقه و ۳۶۵ مرتبه با موضوع تشکیلات حکومتی، طبقات علمیه و عسکری و اصناف شهری و درباری گردآوری و طبقه‌پایانی آن مشابه سلیمان‌نامه رویدادهای عصر سلطان سلیمان قانونی تا ۹۶۶ قمری آورده شده است. (ششن، ۱۳۹۱: ۲۹۷-۲۹۶)

مؤلف در بیان توجه سلطان به مزار ابوحنیفه آورده است که «سلطان به زیارت چشمه دین، سراج و حاج امت گزین، امام بزرگوار هم‌ام جنت‌مدار، سلطان ارباب مذاهب، برهان اصحاب مناقب، امام اعظم ابوحنیفه کوفی بردالله مضجعه رفت» مؤلف در ادامه، یکی از علل حرکت سلطان سلیمان از دیار روم و اهتزاز «رایات اسلام» و تحمل مشقات سفر را رسیدگی به مزار ابوحنیفه و «عمارت و آبادکردن مضجع رحمت مجمع امام عظام که به دست ملاحده آلوده شده بود»، ضبط کرده (جلال‌زاده، ۱۹۸۱ ب: ۲۵۸) و آورده است که «سلطان به زیارت مرقد منور و تربه مطهر، نزول همایون کرده، تالین قرآن عظیم و حافظان تنزیل رب رحیم، قرائت قرآن کریم کردند» و بدین ترتیب مزار از آلودگی تطهیر شد. (جلال‌زاده، ۱۹۸۱ الف: ۲۵۹) سلطان عثمانی پس از ورود به بغداد به زیارت مزارهای متبرکه دیگر رهسپار شد و دستور تعمیر مقبره‌هایی را که پیشتر به دست صفویان تخریب شده بود، صادر کرد که از آن میان، رسیدگی به مزار «شیخ صمدانی، خان ملک ولایت، نگهبان شهر کرامت، شیخ عبدالقادر جیلانی» بود که ویران شده بود؛ از این رو دستور داده شد تا عمارتی بر مزار وی ساخته شود. (جلال‌زاده، ۱۹۸۱ الف: ۲۶۱)

جلال‌زاده در اشاره به توجه سلیمان قانونی به تربت اهل بیت (ع) و در توصیف ورود سلطان به بغداد به مزار امام موسی کاظم (ع) اشاره کرده است که «سلطان در ظاهر بغداد به زیارت روضه مقدسی از ریاض جنت آسوده‌دل شده در حدیقه انس و سلوت مونس از ارایک ملایک مسالک عمده اولاد خجسته نهاد بتول از قوده آل سعادت مآل رسول، همای قدس‌آشیان مکارم شهباز سدره‌جای اعظم، سرو باغ مصطفوی، امام معلا موسای کاظم رضی الله عنه رفت ... و به فقرا صدقات بی‌نهایت بذر کرد». (جلال‌زاده، ۱۹۸۱ ب: ۲۶۱-۲۶۰) او در ادامه نیز به عزم سلطان برای زیارت قبرهای شیعی اشاره کرده و آورده است که «سلطان سلیمان به زیارت مشهدین مبارکین مضجع همایون رحمت مشحون و

مغفرت مقرون، مقر شهسوار اقلیم لافتی، مظهر و مصدوقه کلام بهجت ارتسام هل اتی، روضه مقدسه آفتاب ولایت و همم، تربه مطهره مهر منیر کرامت و کرم، مدینه علم و چشمه زلال خصال، خزینه نقود جود و کمال و عرفان لایزال، در دریای اجتبا، گوهر یم ارتضا، شیر خدا علی مرتضی کرم الله وجهه و رضی الله عنه، و شاه ملک شهادت، ماه برج هدایت، گوهر دریای عزت، دره یتیم صدف نبوه، همای آشیانه جنت، بلبل گویای باغ وحدت، نتیجه مقدمات کونین، ثمره شاخسار سلطان الثقلین، نور عین چهره زیبای بهشت برین، بر ارباب جنان، رهنما، بر گروه شهدا، پیشوا، شاه شهیدان کربلا، امام حسین نور الله تعالی، نصیب پادشاه ظفر آثار و نصرت نما، شد». (جلال زاده، ۱۹۸۱: ب: ۲۶۱) جلال زاده در اشاره به ارادت سلیمان قانونی به سه امام شیعیان برخلاف اقدام سلیمان قانونی به منظور بناسازی برای ابوحنیفه و شیخ عبدالقادر گیلانی هیچ بناسازی خاصی را در گزارش خود نیاورده است.

لطفی پاشا نیز در گزارش خود به حضور سلیمان قانونی در عراق پرداخته است. او فرزند عبدالمعین و متولد آلبانی بود که در سال ۹۴۵ ق به عنوان صدراعظم سلیمان قانونی انتخاب شد و در حدود سال ۹۷۰ ق درگذشت. او آثار مهمی را نگاشته است که در این میان، آصف نامه با موضوع وزارت و وزیران عثمانی و تواریخ آل عثمان جایگاه برجسته تری دارند. در اثر اخیر که از ابتدای حکومت عثمانی تا سال ۹۶۱ ق را دربردارد، مؤلف به شکل مستند، اما جانبدارانه به تاریخ نویسی دست زده است. این اثر از جنبه دینی اهمیت دارد که مؤلف در آن با مقاصد دینی و مذهبی نگاشته و در مشروعیت افزایی عثمانیان کوشیده است. (ششن، ۱۳۹۱: ۲۹۰) با وجود این، لطفی پاشا در توصیف حضور سلیمان قانونی در عراق به اقامت او در بغداد اشاره کرده و از اقدام های این سلطان در عراق به شکل کلی و کوتاه و به صورت «در آن زمستان مزارهای شریف موجود در بغداد (عراق) را زیارت کرد و نهایت مرتبه صدقه و احسان نسبت به فقرا مبذول داشت» یاد کرده است. (لطفی پاشا، ۱۳۴۱: ۳۵۱) اما درباره بناسازی شیعی سلیمان قانونی داده ای ارائه نکرده است.

محمد بن محمد ادرنوی (۱۰۵۰ ق) اثری به نام نخبه التواریخ و الاخبار نگاشته که بخش اول آن را به عثمان دوم و بخش دیگر به مراد چهارم پیشکش کرده است. این اثر تاریخ عثمانی را تا زمان مرگ سلطان احمد اول در سال ۱۰۲۶ ق دربر می گیرد. (Babinger, 1992: 200-201) مؤلف در گزارش حضور سلطان سلیمان قانونی در عراق به گذران زمستان در بغداد اشاره کرده و آورده است که سلطان

«در محلی که مرقد معطر حضرت امام اعظم ابوحنیفه خوانده می‌شد، قبه‌عالی و در اطرافش سور بنا کرد و مستحفظینی برای آن تعیین گردید». (ادرنوی، ۱۲۷۶: ۶۹) ادرنوی درباره‌ی دیگر بناسازی‌ها و توجه سلیمان قانونی به مراقد اهل بیت (ع) اشاره‌ای نکرده است.

محمدپاشا بن رمضان چلبی مشهور به نشانچی کوچک (۹۷۹ق) در دیوان‌سالاری عثمانی با عنوان نشانچی رئیس‌الکتاب عثمانیان بود. او به تشویق سلیمان قانونی به نوشتن اثری تاریخی دست زد که به تاریخ نشانچی مشهور شده و به شکل تاریخ اسلام در چهار بخش تنظیم شده بود که بخش عثمانی آن مفصل است. (ششن، ۱۳۹۱: ۲۹۸-۲۹۷) در کتاب تاریخ نشانچی به ذکر وقایع سال ۹۴۱ ق و ورود سلیمان قانونی به بغداد پرداخته شده است. همچنین، به زیارت مزار ابوحنیفه از سوی سلطان سلیمان و استمداد همت و استدعای کرامت از امام اعظم اشاره شده است؛ اما مطلبی درباره‌ی بازسازی مزار وی آورده نشده است. (نشانچی، ۱۲۷۹: ۲۶۰) او در ادامه به حضور سلیمان قانونی برای زیارت «مضاجع نور مطالع ائمه معصومین و مراقد معرفت مرصدا اولیاء مرحومین» اشاره کرده و آورده است که «سلیمان قانونی به زیارت این مزارهای متبرکه خصوصاً خاک پاک نجف، مرقد اشرف حضرت امام حسین رضی الله تعالی عنه و مزار شریف امام موسی کاظم پرداخته و جهت ترویج روح پرفتوح ایشان، مقدار صدقه احسان کرد». (نشانچی، ۱۲۷۹: ۲۶۱)

صولاق‌زاده (۱۰۶۷ ق) از نخبگان ذوالفنون عثمانی بود که در شاعری، نقاشی و تاریخ‌نویسی مهارت داشته و در دربار عثمانی به تصدی برخی مشاغل درباری دست زده است. او به نگارش تاریخی به نام تواریخ آل عثمان که با نام صولاق‌زاده تاریخی (تاریخ صولاق‌زاده) نیز شناخته می‌شود، دست زد. این کتاب تاریخ عثمانیان را از آغاز تا سال ۱۰۶۷ ق دربر می‌گیرد. صولاق‌زاده در تاریخ خود به ورود سلیمان قانونی به عراق در سال ۹۴۱ ق و توجهش به مزار ابوحنیفه اشاره کرده است. او آورده است که سلطان دستور داد تا مزار «امام اعظم» را که صفویان (روافض) آن را پر خس و خاشاک کرده بودند، تطهیر کنند. همچنین، فرمان داد تا در همان روز تربتی لطیف و مزین به کاشی و در کنارش مسجدی بنا کردند و بر اطراف آن حصار کشیده شد و بر قلعه آن حفظه و دزدار و بر اوقاف عامره آن متولی و «وظیفه‌خوار» تعیین شد. پس از آن، سلطان دیگر مزارهای متبرکه مشایخ عظام را زیارت کرد. (صولاق‌زاده، ۱۲۹۷: ۴۸۷) در این گزارش تنها بناسازی سلیمان قانونی به بازسازی و توسعه مزار ابوحنیفه آورده شده است.

در میان سلیمان‌نامه‌نویسان، نصوص مطراقچی (۹۷۱ ق) جایگاه خاصی دارد. او متولد بوسنی و از مورخان عصر سلیمان باشکوه بود که آثار متعددی دارد؛ مانند سلیمان‌نامه، بیان منازل و فتحنامه قره بوغدان که سلیمان‌نامه تا حد زیادی مطالب کتاب بیان منازل را در خود جای داده است. بیان منازل سفر عراقین سلطان سلیمان‌خان مهم‌ترین اثر مطراقچی و ثمره حضور این مؤلف در لشکرکشی نخست سلیمان به ایران بوده است. بیان منازل به سبب دربرگیری نگاره‌های مربوط به اماکن و منازل به همان اندازه که از لحاظ هنری اهمیت دارد، از نظر انعکاس تصاویر بناهای تاریخی و توپوگرافی مسیر لشکرکشی سلیمان محتشم نیز ارزشمند است. (اوزجان، ۱۳۹۱: ۱۷۴-۱۷۵ و ۲۰۶)

نصوص مطراقچی در اثر خود از ابوحنیفه نام برده (مطراقچی، ۱۹۷۹: ۴۴-۴۰) و تصویر مزارش را نیز ثبت کرده (مطراقچی، ۱۹۷۹: الف: ۵۳-۴۴) و به شیخ عبدالقادر گیلانی اشاره کرده است. (مطراقچی، ۱۹۷۹: الف: ۴۹) اما سخنی از مرمت و تعمیر مزار آنها به میان نیاورده است. همچنین، در این اثر از بزرگان و مزارهای شیعی همچون امام‌علی (ع) (مطراقچی، ۱۹۷۹: ب: ۶۴-۵۸) امام حسین (ع) (مطراقچی، ۱۹۷۹: الف: ۶۲-۵۷) و برخی از شهدای کربلا (مطراقچی، ۱۹۷۹: ب: ۵۷) نام و تصویر آمده است؛ اما به بازسازی و بناسازی آنان پرداخته نشده است.

در عصر سلیمان قانونی گونه‌ای از تاریخ‌نگاری رسمی ایجاد شد که شاهنامه‌نویسی و یا شاهنامه‌سرایی خوانده می‌شد و در آن شاهنامه‌های عثمانی با اقتباس از شاهنامه فردوسی طوسی به بیان منظوم رویدادهای عصر سلطان عثمانی و وصف سرزمین او می‌پرداختند. این شکل از تاریخ‌نگاری نخستین شکل تاریخ‌نویسی درباری عثمانی است که کارکرد اصلی آن بزرگداشت و ستایش ادیبانه و هنرمندانه سلطان و اقدام‌هایش بود. شاهنامه‌سرایان، شهنامه‌جی خوانده می‌شدند که سه تن نخست که ایرانی بودند عبارت است از: فتح الله عارف، افلاطون شروانی و سید لقمان اورموی (بابائی، ۱۴۰۳: ۶۷-۶۶) سید لقمان در سال ۹۷۷ ق شهنامه‌جی شد و در ۱۰۱۰ ق درگذشت. او از مورخان معاصر مراد سوم بود و آثار متعددی نظیر مجمل الطومار، قیافه الانسانیه، سلیم‌نامه آل عثمان، شهنشاه‌نامه، هنرنامه و شاهنامه دارد. (ششن، ۱۳۹۱: ۳۱۴-۳۱۳؛ اپیشیرلی، ۱۳۹۱: ۱۰۸، نوریلدیز، ۱۳۹۱: ۱۴۳) دیگر اثر او زبده التواریخ است که وقایع عصر سلیمان قانونی را نیز در خود جای داده است. سید لقمان در این اثر، علاوه بر اشاره به این‌که سلیمان قانونی به زیارت «تک تک مقابر و مشاهد اولیا» مبادرت ورزیده، به

اقدام او در ایجاد بنای مقبره ابوحنیفه و قلعه اطراف آن، تعیین اوقاف برای آن و ساخت مقبره برای شیخ عبدالقادر گیلانی اشاره کوتاهی کرده است. (Seyyid lokman, 2011: 302). مؤلف در ادامه به

زیارت «مشهد نجف و کربلا» اشاره مختصری داشته است (Seyyid lokman, 2011: 302)

شماری از تواریخ عثمانی علاوه بر وقایع عراق عصر سلیمان وقایع عصر مراد چهارم را نیز پوشش داده است. ابراهیم پچوی (۱۰۵۹ ق) نگارنده یکی از این آثار به نام تاریخ پچوی است. او متولد شهر پچ در مجارستان بود که در اثرش به رویدادهای تاریخی از آغاز حکومت سلطان سلیمان قانونی (۹۲۶ ق) تا سال ۱۰۴۹ ق توجه کرده است. (ششن، ۱۳۹۱: ۳۱۸-۳۱۷) در تاریخ پچوی آورده شده است که سلیمان قانونی در راه رفتن به بغداد قبر امام اعظم را زیارت و آن را از وجود قزلباشان تطهیر کرد. او سپس به زیارت مزار «حضرت امام موسی کاظم رضی الله عنه رفته و به فقرا صدقات بی نهایت بذر کرد». آنگاه وارد سور بغداد شد. سلیمان قانونی در بغداد به مزارهای مختلف سر زد و به تعمیر آنها فرمان داد. از آن جمله دستور داد تا بنایی بر مقبره شیخ عبدالقادر گیلانی ساخته شود. (پچوی، ۱۲۸۳، ج ۱: ۱۸۴) در ادامه، به زیارت «حضرت علی المرتضی و شاه شهیدان کربلا رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمَا» رفت (پچوی، ۱۲۸۳: ۱۸۴/۱). او در ذکر وقایع عصر مراد چهارم آورده است که در سال ۱۰۴۷ ق مراد چهارم در هنگام ورود به بغداد در کنار مزار ابوحنیفه چادر زد. (پچوی، ۱۲۸۳، ج ۲: ۴۴۶) اما درباره بناسازی مراد چهارم داده‌ای ارائه نشده است

مصطفی نعمیا (۱۱۲۸ ق) نخستین وقایع‌نویس رسمی عثمانی است (اوزترک، ۱۳۹۱: ۹۹) که عموجه‌زاده حسین‌پاشای وزیر اعظم او را مسئول نگارش تاریخی کرد تا رسوایی انعقاد معاهده کارلوفچه را توجیه کند. (ایتسکویتس، ۱۳۷۷: ۱۴۸-۱۴۷) نعمیا اثرش را به نام این صدراعظم روضه الحسین فی خلاصه اخبار الخافقین نامید که تاریخ نعمیا نیز خوانده می‌شد و وقایع سال‌های ۱۰۰۰ تا ۱۰۷۰ ق را در خود جای داده است. (ششن، ۱۳۹۱: ۳۴۲-۳۴۱) نعمیا در این اثر و در گزارش اقدام‌های مراد چهارم به لشکرکشی او به عراق پرداخته و آورده است که مراد چهارم پس از تسخیر بغداد به زیارت مزار ابوحنیفه رفت و ضمن دعا صدقاتی نیز بخشید. (نعمیا، ۱۲۸۱، ج ۱: ۳۷۸) سلطان در ادامه، شیخ الاسلام یحیی افندی را مأمور نظارت بر تعمیر مرقد امام اعظم و شیخ عبدالقادر گیلانی کرد. شیخ الاسلام هم گنبد و

صحن بناها را تعمیر و ترمیم و آنها را با قندیل‌های طلا و نقره تزئین کرد. همچنین، پوشش سبز رنگ به همراه دستار برای مزار تدارک دیده شد. (نعیما، ۱۲۸۱، ج ۳: ۳۸۰)

خیرالله افندی دیگر مورخ و سیاستمدار عثمانی است که در سال ۱۲۸۱ قمری به‌عنوان سفیر عثمانی در تهران فعالیت می‌کرد و در سال ۱۲۸۳ ق در تهران درگذشت. اثر او تاریخ دولت علیه عثمانیه نام دارد که وقایع را تا زمان سلطان احمد اول (۱۰۲۶-۱۰۱۲ ق) دربرمی‌گیرد. مؤلف اثر که بدون جانبداری به تاریخ‌نویسی پرداخته، آورده است که مراد چهارم در سال ۱۰۴۸ ق در محاصره بغداد در جوار مزار ابوحنیفه چادر زد و برای محاصره و تسخیر بغداد صف‌آرایی کرد. (خیرالله افندی، ۱۲۹۲، ج ۱۷: ۷۷) مراد چهارم پس از تسخیر بغداد برای شکر الهی جهت این پیروزی به زیارت مرقد ابوحنیفه و شیخ عبدالقادر گیلانی رفت و شیخ الاسلام را مسئول نظارت بر تعمیر این دو مرقد کرد. (خیرالله افندی، ۱۲۹۲، ج ۱۷: ۸۱)

از مورخان و صاحبان مناصب برجسته عثمانیان که به تاریخ‌نویسی دست زده، قره‌چلبی‌زاده عبدالعزیز افندی (۱۰۶۸ ق) است که قاضی و شیخ الاسلام دوره مراد چهارم (حک. ۱۰۴۹-۱۰۳۲ ق) بوده است. او نویسنده روضه الابرار المبین بحقائق الاخبار است که اثرش بر چهار فصل تا وقایع سال ۱۰۵۶ ق را دربردارد و فصل پایانی آن به تاریخ عثمانیان اختصاص یافته و به سلطان ابراهیم تقدیم شده است. همچنین، سلیمان‌نامه نیز دربردارنده وقایع دوره سلیمان قانونی با تمرکز بر لشکرکشی‌های اوست. اثر دیگر او ظفرنامه است که با موضوع همه‌های مراد چهارم به بغداد و ایروان نوشته شده است. (ششن، ۱۳۹۱: ۳۲۷-۳۲۶)

قره‌چلبی‌زاده در سلیمان‌نامه با اشاره به این‌که سلیمان قانونی پس از درگیری با شاه طهماسب صفوی به‌سوی عراق رهسپار و در «بغداد بهشت‌آباد» آشیان‌ساز شد، آورده است که او در آغاز امر به زیارت «مزار لامع الانوار امام بزرگوار هماد فردوس مدار ینبوع علم و حکم، حضرت امام اعظم» رفت و از روح او استمداد و استدعای همت خواست و سپس به گماردن و تعیین امرا پرداخت. او سپس به توصیف ویرانی مزار ابوحنیفه پرداخت که قبه مزار به‌مرور «اعوام و شهور و تصادم صبا و دبور» درحال ویرانی بود و «در هر گوشه‌اش، جغد خرابه‌نشین آشیان‌ساز و مکین» شده بود؛ از این رو سلطان به تعمیر و تطهیر آن مرقد و اطراف آن دستور داد و با تلاش‌های شبانه‌روزی «واردین و صادرین» عمارت را ایجاد

کرد و حصار برای حراست از آن بر دور بنا ساخت. (قره‌چلبی‌زاده، ۱۲۴۸: ۱۱۹) او سپس به توصیف مزار شیخ عبدالقادر گیلانی پرداخت و آن را «مانند قوای پیر فرتوت بلکه او هن من بیت العنکبوت» وصف کرده که حسب الامر سلطان عثمانی گنبدی روی آن ایجاد و دارالضیافه‌ای برای اطعام فقرا بنا شد. (قره‌چلبی‌زاده، ۱۲۴۸: ۱۱۹) همچنین، سلیمان قانونی در ادامه اقامت در عراق به زیارت «مرقد مغفرت مرصد شرزه شیر محارب اسدالله الغالب همسر فاطمه زهرا، داماد جناب حضرت مصطفی، علی عالیقدر کرم الله وجهه و رضی الله عنه، و مزار رحمت‌مدار شب‌چراغ خاندان نبوت، میوه نخل برومند باغ رسالت، وارث علوم خیرالبشر، ثالث ائمه اثنی عشر، امام حسین شهید رضی الله عنه» رفت. (قره‌چلبی‌زاده، ۱۲۴۸: ۱۲۰)

او در اثر دیگری به نام ظفرنامه که به نام صدراعظم کمان‌کش قره‌مصطفی‌پاشا درباره لشکرکشی مراد چهارم به ایروان و بغداد نوشته شده است به اقدام‌های مراد چهارم در عراق توجه کرده است. قره‌چلبی‌زاده در توصیف اقدام‌های مراد چهارم در عراق آورده است که «مراقد شریف امام اعظم و شیخ عبدالقادر گیلانی تطهیر و مواضع خراب آن را تعمیر شد که زیر نظارت شیخ الاسلام یحیی افندی قرار داشت. بعدالتمام، سرپوش سبز برای مزار تهیه شد و خود سلطان با دستانش این دستار ملایانه را بر مزار قرار داد. جامع لطیف موجود در جوار مزار نیز تعمیر و ترمیم گردید و نماز جمعه گزارده شد. قریب ۲۰ سال از یادشدن اسامی چهار یار در این جامع ممانعت شده بود که با نامه همایونی سلطان مذکور بار دیگر این اسامی در جامع یاد شد.» (Karaçelebizade, 2005: 47) همچنین، آورده است که در هنگام بازگشت مراد چهارم و در زمان اقامتش در دیاربکر سلطان دستور ارسال «باب و شباک و تعدادی آویزه» برای مزار ابوحنیفه را صادر کرد تا به بغداد ارسال شود. (Karaçelebizade, 2005: 50) گزارش قره‌چلبی‌زاده نسبت به دیگر منابع داده‌های بیشتری ارائه می‌کند و گزارش می‌دهد که سلیمان قانونی به تعمیر مزار ابوحنیفه و ایجاد حصار برای آن پرداخت و نیز تعمیر بنای مزار شیخ عبدالقادر گیلانی، ایجاد گنبد و دارالضیافه را به عنوان اقدام‌های عمرانی سلیمان قانونی ثبت کرده است. همچنین، تعمیر و ترمیم بنای مزارهای ابوحنیفه و شیخ عبدالقادر گیلانی در عصر مراد چهارم نیز گزارش شده است که افزوده‌هایی نظیر دستار روی سنگ قبر و نیز از تجهیز و تزیین آنها سخن رفته است. این درحالی است که گزارش‌ها از مزارهای اهل بیت (ع)، محدود به زیارت بوده و بناسازی انجام نشده است.

نتیجه‌گیری

از نتایج درگیری صفویان و عثمانیان در عصر سلیمان قانونی تسلط این سلطان بر عراق در اواسط سده دهم هجری بود که طی آن سلیمان قانونی برای گذراندن زمستان عازم عراق شد و در مدت اقامت در آن‌جا به اقدام‌هایی دست زد که در میان آنها مراجعه به مزار بزرگان سنی و شیعه را می‌توان مشاهده کرد. پس از سلیمان قانونی شاه عباس اول صفوی عراق را از چنگ عثمانیان خارج کرد که با واکنش عثمانیان مواجه شد و سرانجام در عصر مراد چهارم که دو حمله بزرگ به آذربایجان، ایروان و عراق داشت، بار دیگر عراق به دست عثمانیان افتاد و سلطان همانند سلیمان قانونی در عراق حضور یافت. او نیز به مزارهای مشاهیر جهان اسلام مراجعه و فرمان بازسازی برخی از بناها را صادر کرد.

محقق در پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش اصلی «سلاطین عثمانی چه سهمی در بازسازی عتبات عالیات در عراق داشتند؟» به این یافته رسید که در منابع تاریخی به دو دوره سلیمان قانونی و مراد چهارم که با حضور آن دو در عراق همراه بود، توجه و اقدام‌های آنان ثبت شده است. برخی منابع در ثبت این رویدادها گزارش‌های اقدام‌های سلیمان باشکوه را در خود گنجانده است. در میان این منابع شماری تنها گزارش زیارت برخی از مزارهای سلیمان قانونی را در خود جای داده است که از آن میان، می‌توان از سلیمان‌نامه سنان چاوش (زیارت حرم امام علی (ع) و مزار ابوحنیفه)، تواریخ آل عثمان لطفی‌پاشا (زیارت مزارهای شریف و دادن صدقه) و تاریخ نشانچی (زیارت مزار ابوحنیفه، امام علی (ع)، امام حسین (ع) و امام موسی کاظم (ع) نام برد. در منابع دیگری از تاریخ عثمانی علاوه بر اشاره به زیارت مقبره‌های سنی و شیعی به بازسازی و توسعه مزار ابوحنیفه نیز اشاره شده است که در میان آنها منابعی همچون زبده التواریخ سیدلقمان (ایجاد بنای مقبره ابوحنیفه و قلعه در اطراف آن و تعیین اوقاف برای آن، زیارت مشهد نجف و کربلا)، طبقات الممالک و درجات المسالک جلال‌زاده (پاکسازی و بازسازی مزار ابوحنیفه، زیارت مزار امام موسی کاظم (ع) و صدقه‌دادن، زیارت مزار امام علی (ع) و امام حسین (ع))، تاریخ پچوی (زیارت قبر ابوحنیفه و تطهیر آن، زیارت مزار امام موسی کاظم (ع)، امام علی (ع) و امام حسین (ع))، صولاق‌زاده تاریخی صولاق‌زاده (پاکسازی و تعمیر مزار ابوحنیفه و کاشی‌کاری آن، ساخت مسجد و حصار در کنار آن و تعیین نگهبان برای بنا)، نخبه التواریخ و الاخبار ادرنوی (زیارت مزار ابوحنیفه، تعمیر آن، ساخت گنبد، ایجاد حصار دور آن، گماردن مستحفظین برای حراست از آن)

و سلیمان‌نامه قره‌چلبی‌زاده (زیارت و تعمیر مقبره ابوحنیفه و ایجاد حصار در اطراف آن، زیارت مشهد امام‌علی (ع) و امام حسین (ع)) به چشم می‌خورد. همچنین، در این منابع بازسازی، توسعه و تزئین مزار شیخ عبدالقادر گیلانی ضبط شده است که شامل بیان منازل سفر عراقین سلطان سلیمان‌خان مطراقچی، زبده التواریخ سیدلقمان، طبقات الممالک و درجات المسالک جلال‌زاده، تاریخ پچوی و سلیمان‌نامه قره‌چلبی‌زاده است. بازسازی و توسعه مزار ابوحنیفه و شیخ عبدالقادر گیلانی در عصر مراد چهارم نیز در منابع ثبت شده که از آن میان، آثاری همچون ظفرنامه قره‌چلبی‌زاده (زیارت مزار ابوحنیفه، تعمیر مزار ابوحنیفه و شیخ عبدالقادر گیلانی، تدارک دستار برای مزار شیخ عبدالقادر گیلانی، تعمیر مسجد مجاور مقبره شیخ عبدالقادر گیلانی و ارسال «باب و شباک و تعدادی آویزه» برای مزار ابوحنیفه)، روضه الحسین فی خلاصه اخبار الخافقین نعیم (زیارت مزار ابوحنیفه و دادن صدقه، تعمیر مزار ابوحنیفه و شیخ عبدالقادر گیلانی، ساخت گنبد و صحن برای این دو بنا و تزئین بنا با قندیل‌های طلا و نقره و نیز تدارک دستار برای مزارها) و تاریخ دولت علیه عثمانیه خیرالله افندی (چادرزدن در کنار مزار ابوحنیفه، زیارت و تعمیر مزار ابوحنیفه و شیخ عبدالقادر گیلانی) بدان پرداخته‌اند. بر این اساس، دانسته می‌شود که دو سلطان عثمانی حاضر شده در عراق باوجود تلاش برای ابنیه‌سازی یا توسعه بنای مزار ابوحنیفه و شیخ عبدالقادر گیلانی به‌عنوان دو شخصیت محبوب اهل تسنن در توجه به معاریف شیعه تنها به زیارت مزارهای شماری از اهل بیت (ع) بسنده کرده‌اند و برخلاف مدعای برخی از پژوهشگران سلاطین عثمانی هیچ اقدامی در زمینه ساخت، توسعه و یا بازسازی بناهای مرتبط با اهل بیت (ع) در عراق انجام نداده‌اند.

کتابنامه

- ادرنوی، محمد بن محمد (۱۲۷۶). نخبه التواریخ و الاخبار، استانبول، تقویم‌خانه عامره.
- اوزترک، نجدت (۱۳۹۱). «در باب تاریخ‌نگاری در عثمانی»، در تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- اوزجان، عبدالقادر (۱۳۹۱). «تاریخ‌نگاری در دوره سلیمان قانونی»، در تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

اوزون چارشیلی، اسماعیل حقی (۱۳۸۰). تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۲.

ایپشیرلی، محمد (۱۳۹۱). «مروری بر تاریخ‌نگاری عثمانی»، در تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین: نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

ایتسکویتس، نورمن (۱۳۷۷). امپراتوری عثمانی و سنت اسلامی، ترجمه احمد توکلی، تهران، نشر پیکان.
اینالجق، خلیل (۱۳۸۸). امپراتوری عثمانی: عصر مقدم ۱۳۰۰-۱۶۰۰، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران، انتشارات بصیرت.

بابائی، طاهر (۱۳۹۵). نقش نخبگان حکومتی ایرانی در قلمرو عثمانی در دوره سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ قمری) و سلیمان قانونی (حک: ۹۲۶-۹۷۳ قمری) [رساله دکتری رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران].

بابائی، طاهر (۱۴۰۳). نقش نخبگان ایرانی در شکوفایی تمدن عثمانی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

پچوی، ابراهیم (۱۲۸۳). تاریخ پچوی، استانبول، مطبعه عامره، ج ۱ و ۲.

جلال‌زاده، مصطفی چلبی (۱۹۸۱). طبقات الممالک و درجات المسالک، چاپ عکس‌برگردان، Celalzade, Geschichte Sultan Suleyman Kanunis von 1520 bis 1557, oder, Mustafa (1981). Tabakat ul-Memalik ve Derecat ul-Mesalik, ed. Peter Kappert, Wiesbaden, Franz Steiner Verlag GMBH.

خیرالله افندی، حسن (۱۲۹۲). تاریخ دولت علیه عثمانیه، استانبول، مطبعه سلیمان افندی.

رحمانیان، داریوش و ثریا شهبازی (۱۳۹۱). «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار:

مطالعه موردی: زوار و حمل جناز»، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۴، ش ۱۳، صص ۲۰-۱.

شاو، استنفورد (۱۳۷۰). تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۱.

ششن، رمضان (۱۳۹۱). «مورخان عثمانی»، در تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین: نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

صالحی، نصرالله (۱۳۸۸). «لشکرکشی سلطان مراد چهارم به ایروان و تبریز: علل و نتایج»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، س ۱۹، ش ۱، صص ۱۱۹-۱۰۷.

صولاق‌زاده، محمد همدی چلبی (۱۲۹۷). صولاق‌زاده تاریخی، استانبول، محمودبک مطبعه‌سی.

عربخانی، رسول (۱۳۹۴). «تشیع ایرانی و تسنن عثمانی: پژوهشی بر منازعات شیعی- سنی در عتبات عالیات قرن نوزدهم (با تکیه بر اسناد آرشیو عثمانی)»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، س ۲۵، ش ۲۶، صص ۱۴۱-۱۲۳.

عربخانی، رسول (۱۳۹۳). عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی قرن نوزدهم، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

قره‌چلبی‌زاده، عبدالعزیز افندی (۱۲۴۸). سلیمان‌نامه، قاهره، مطبعة بولاق.

لطفی‌پاشا (۱۳۴۱). تواریخ آل عثمان، تصحیح کلیسلی معلم رفعت، استانبول، مطبعة عامره.
مطراقچی، نصح (۱۹۷۹). بیان منازل سفر عراقین سلطان سلیمان خان، چاپ عکس‌برگردان (Matrakç, Nasuh's Silah (1979). Beyan- menazil-i sefer-i Irakeyn-i Sultan Sü leyman han, Haz. Hüseyin G. Yurdayd n, Ankara: Türk tarih kurumu bas mevi.

نشانچی، محمدپاشا (۱۲۷۹). تاریخ نشانچی، استانبول، طبعخانه عامره.

نعیما، مصطفی (۱۲۸۱). تاریخ نعیم (روضه الحسین فی خلاصه اخبار الخافقین)، [بی‌جا].
نوایی، عبدالحسین و غفاری‌فرد، عباسقلی (۱۳۸۶). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران، سمت.

نوریلدیز، سارا (۱۳۹۱). «تاریخ‌نگاری عثمانی» در تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین: نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

نورائی، مرتضی و مینا معینی (۱۳۹۶). «بررسی مسائل و مشکلات زوّار ایرانی در زیارت عتبات عالیات در فاصله سال‌های ۱۹۰۰-۱۹۲۰ م/ ۱۳۱۷-۱۳۴۱ هـ.ق: مطالعه موردی: سوءرفتار مأمورین عثمانی نسبت به زوّار»، فصلنامه جستارهای تاریخی، س ۸، ش ۲، صص ۱۹۹-۲۲۱.

Babinger, F. (1992). Osmanlı tarih yazarlar ve eserleri, trc: Coşkun Üçok, Ankara, Kültür bakanlığı yayınları.

Erkoçoğlu, F. (2010). "Kutsal (laştırılmış) bir mekan: Kerbela (Osmanlı Hâkimiyetinin Sonuna Kadar)", Cumhuriyet Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, 14(1), 277-320.

Karaçelebi, Z., & Abdülaziz, E. (2005). Zafer-name (Tarihçe-i Feth-i Revan ve Bağdad). ed. Nermin Yıldırım. İstanbul, Mimar Sinan Güzel Sanatlar Üniversitesi Açık Bilim.

- Menekşe, Ö. (2006). Ehl-i Beyt Sevgisi, Ankara, Diyanet İşleri Başkanlığı .
- Osmanlı Devletinde Ehl-i Beyt Sevgisi. (2008). By Ülgün Uyar and Hilmi Aydın and Sevgi Ağca, İstanbul, Nefes Yayıncılık .
- Seyyid, İ. (2011). Zübdetü't- Tevârih, haz: Durmuş Kandara, Doktora tezi, İstanbul, İstanbul Üniversitesi sosyal bilimler enstitüsü .
- Sinan, Ç. (1998). Süleymanname Tarih-i Feth-i Sikloş Estergon ve İstol - Belgrad, İstanbul, Tarihi Araştırmalar ve Dokümantasyon Merkezleri Kurma ve Geliştirme Vakfı.
- Teke, R., & Zübeyde, U. (2022). "Bağdatta Üç Osmanlı Eseri", Sosyal Ve Beşeri Bilimler Dergisi, 6(1).